

۱۰ عادت و اخلاق

رسول الله ﷺ

عادت ها ، اخلاق و رفتار پیامبر ﷺ
که برترین ابرمرد تاریخ گردید



نویسنده: أبوشاکرمسلم

عنوان کتاب:

۱۰۰ عادت و اخلاق رسول الله ﷺ

موضوع:

عادت ها ، اخلاق و رفتار پیامبر ﷺ که برترین ابرمرد

تاریخ گردید.

نویسنده:

أبو شاکر مسلم

نوبت انتشار:

اول

تاریخ انتشار:

رمضان سال ۱۳۹۹

منبع:

<https://t.me/QuraanWasonnatt>

این کتاب از کتابخانه موحیدین در تلگرام دانلود شده است

چاپ و نشر این کتاب ، برای هر مسلمان آزاد است

بسم الله الرحمن الرحيم

- فهرست مطالب صفحه
- رسول الله ﷺ سخنان کوتاه اما پرمحتوا و پرمعنی می زد: ۹.....
- رسول الله ﷺ لغت حرف نمی زد: ۹.....
- رسول الله ﷺ جواب دشنام را به دشنام نمی داد: ۱۰.....
- رسول الله ﷺ هرکار را از طرف راست انجام می داد: ۱۰.....
- رسول الله ﷺ هرگز از هیچ نوع غذائی عیب نمی گرفت: ۱۱.....
- رسول الله ﷺ اطفال را می بوسید: ۱۱.....
- رسول الله ﷺ همیشه قیلوله می نمود: ۱۲.....
- رسول الله ﷺ هرگاه کسی را می دید؛ در چهره اش می خندید: ۱۳.....
- رسول الله ﷺ وقتیکه جگر خون وخفه میشد؛ روی او سرخ ۱۴.....
- رسول الله ﷺ حتی کلمه «اف» را برای دوستانش استعمال نمی کرد: ۱۵.....
- رسول الله ﷺ هرگز گدا و سوالگری را از خود نمی راند: ۱۶.....
- هرگز از رسول الله ﷺ چیزی خواسته نشده که (نه) گفته باشد: ۱۷.....
- کسیکه از رسول الله ﷺ سؤال می کرد؛ برای اینکه سوال او مخفی بماند؛ دور ترین جای را انتخاب می نمود: ۱۷.....
- هرگاه رسول الله ﷺ می خواست کسی را سرزنش کند؛ فقط می گفت: «پیشانی اش خاک آلوده باد»: ۱۸.....

- مزاح رسول الله ﷺ این بود: «ای صاحب دو دست!»، «ای صاحب دو بینی!»، «دستت خاک آلوده باد»، «ای صاحب دو گوش» و غیره..... ۱۸
- رسول الله ﷺ لعن گویی و نفرین گو؛ نبود:..... ۲۱
- رسول الله ﷺ برای هیچ کسی دعای بد نمی کرد:..... ۲۲
- رسول الله ﷺ بیشتر از دختران خانه حیاء داشت:..... ۲۳
- تنها خنده رسول الله ﷺ تبسم بود:..... ۲۳
- رسول الله ﷺ سخنانش را سه بار تکرار می کرد:..... ۲۴
- رسول الله ﷺ پی در پی (مسلسل) حرف نمی زد بلکه آهسته ، آهسته حرف می زد:..... ۲۴
- رسول الله ﷺ در کارهای خانه؛ همسرانش را تنها نمی گذاشت:..... ۲۶
- رسول الله ﷺ انتقام گیر نبود:..... ۲۶
- رسول الله ﷺ بین دو کار؛ آسانترین آنرا انتخاب می نمود:..... ۲۷
- رسول الله ﷺ بدی را به بدی جواب نمی داد:..... ۲۸
- رسول الله ﷺ صدایش را در ملاعام بلند نمی کرد:..... ۲۸
- رسول الله ﷺ هرگز کسی را ملامت نمی کرد:..... ۲۹
- رسول الله ﷺ فوراً در مقابل گنهکاران عکس العمل نشان نمی داد:..... ۳۰
- رسول الله ﷺ زود احساساتی نمی شد:..... ۳۱
- کسی را که رسول الله ﷺ سرزنش می کرد به اشاره سرزنش می کرد:..... ۳۳

۱۰۰ عادات رسول الله ﷺ ۵

- هیچ عیادت مریضی و هیچ جنازه ای از رسول الله ﷺ ترک نمی شد: ۳۳.....
- رسول الله ﷺ با وصفی که رهبر یک امت بزرگ بود؛ اما کالای خود را می دوخت و گوسفند را می دوشید: ۳۴.....
- رسول الله ﷺ وقتی که با کسی دست پرسی می کرد؛ تا که آن شخص دست خود را دور نمی کرد ، رسول الله ﷺ دست خود را بر نمی داشت: ۳۵.....
- رسول الله ﷺ پایش را طرف همنشین خود دراز نمی کرد: ۳۵.....
- رسول الله ﷺ در مجالس مصروف چیزی دیگری نمی شد (بلکه توجه وی به سوی همنشینش می بود): ۳۶.....
- رسول الله ﷺ کار امروز را برای فردا نمی گذاشت و نیز چیزی را برای فردای خود ذخیره نمی کرد: ۳۷.....
- رسول الله ﷺ زیاد حرف نمی زد: ۳۷.....
- رسول الله ﷺ آرام آرام جدا جدا حرف می زد: ۳۸.....
- رسول الله ﷺ یارانش را به غضب و خشم نشدن توصیه می نمود: ۳۹.....
- رسول الله ﷺ روزانه بیش از هفتاد بار از الله آمرزش می خواست: ۳۹.....
- رسول الله ﷺ بخشنده ترین مردم بود: ۴۰.....
- رسول الله ﷺ عادت گذشت را داشت: ۴۱.....
- رسول الله ﷺ شخص گنهکار را دعای بد و نابودی نمی کرد: ۴۱.....
- رسول الله ﷺ درین جوانان؛ یتیمان را بیشتر دوست داشت: ۴۲.....

۱۰۰ اعداء رسول الله ﷺ ۶

- رسول الله ﷺ طوری حرف می زد که کوچک و بزرگ حرف آن را می دانستند: ۴۳.....
- رسول الله ﷺ بدون وحی؛ هرگز صحبت نمی کرد: ۴۴.....
- رسول الله ﷺ سخنان بی هوده نمی گفت: ۴۴.....
- رسول الله ﷺ بایوه زنان و مساکین می رفت و کار آنان را انجام..... ۴۴
- هرگز رسول الله ﷺ دروغ نمی گفت: ۴۵.....
- رسول الله ﷺ صدقه را نمی خورد ، اما هدیه را پذیرفته و میل می کرد: ۴۶.....
- رسول الله ﷺ بهترین فرد برای خانواده اش بود: ۴۶.....
- رسول الله ﷺ اطفال را تحنیک می نمود: ۴۷.....
- رسول الله ﷺ در مقابل کار نیک دیگران «جزاک الله خیرا» می گفت: ۴۸.....
- رسول الله ﷺ هرگاه از قومی می ترسید می گفت: «اللَّهُمَّ إِنَّا نجعلُکَ فی نحورِهِمْ ، ونعوذُ بِکَ مِنْ شُرُورِهِمْ»..... ۴۹
- رسول الله ﷺ وقتی که عطسه می زد دست خود را بر دهانش..... ۴۹
- رسول الله ﷺ گاهی سخنرانی می کرد (همیشه نه): ۵۰.....
- رسول الله ﷺ روز های دوشنبه و پنج شنبه را روزه می گرفت: ۵۱.....
- رسول الله ﷺ هنگام سفر یارانش؛ برای آنها دعا می نمود: ۵۱.....
- رسول الله ﷺ هرگاه از سفر می آمد به مسجد می رفت و دو رکعت نماز ادا می کرد: ۵۲.....

۱۰۰ اعادات رسول الله ﷺ ۷

- رسول الله ﷺ چیزهای شیرین را (مثل غسل) دوست می داشت: ۵۳.....
- رسول الله ﷺ آب را به سه نفس می نوشید: ۵۳.....
- رسول الله ﷺ تکیه کنان؛ چیزی نمی خورد: ۵۴.....
- رسول الله ﷺ هرگاه از کاری در فشار قرار می گرفت؛ نماز می خواند: ۵۴.....
- رسول الله ﷺ دوست داشت که در روز های پنج شنبه سفر کند: ۵۴.....
- رسول الله ﷺ در قافله و کاروان؛ آخرین آن می بود: ۵۵.....
- رسول الله ﷺ هرگاه از خواب بیدار می شد؛ در قدم نخست مسواک می کرد: ۵۶.....
- هرگاه رسول الله ﷺ در شب در سفر می بود، و در شب فرود می آمد، به پهلوی راستش می خوابید: ۵۶.....
- رسول الله ﷺ بهترین معلم بود: ۵۷.....
- رسول الله ﷺ در همه اوقات ذکر می نمود: ۵۷.....
- رسول الله ﷺ دارای بهترین اخلاق بود: ۵۸.....
- رسول الله ﷺ میان سیاه و سفید؛ عربی و عجمی؛ بینا و نابینا، تفاوت قائل نبود: ۵۹.....
- رسول الله ﷺ بعد از طعام خوردن؛ انگشتان دست خود را می مکید (می لیسید): ۶۰.....
- رسول الله ﷺ در نماز های شب بالای خود زیاد فشار می آورد: ۶۱.....

۸.....۱۰۰ عادات رسول الله ﷺ

- ۶۱..... رسول الله ﷺ بر اطفال سلام می داد:.....
- رسول الله ﷺ گاهی برای دوستان خود میگفت: «بخاطر الله دوست تان دارم»..... ۶۲.....
- رسول الله ﷺ بعد از نماز صبح نمی خوابید ، بلکه با اصحابش در مسجد تا طلوع آفتاب سخن می گفت:..... ۶۳.....
- هرگز رسول الله ﷺ اصحابش را نمی گذاشت تا بر مردم سختگیری کنند:..... ۶۴.....
- هرگز رسول الله ﷺ در سخنان کسی نمی پرید:..... ۶۴.....
- بعضی از صفات وعادات نبی ﷺ که امام نووی بیان نموده است:..... ۶۵.....
- وچندین عادت دیگر رسول الله ﷺ:..... ۶۷.....
- خواهش ما از شما عزیزان:..... ۷۱.....

۱- رسول الله ﷺ سخنان کوتاه اما پرمحتوا و پرمعنی

می زد:

پیامبر گرامی مان (ﷺ) بسیار حرف های کوتاه و سخنان اندک می زد ، اما آن پرمحتوا و پرمعنی می بود که برای آن گفته میشود: «جوامع الکلم».

وعن أبي هريرة قال: رسول الله ﷺ قال : « بعثت بجوامع الكلم ونصرت بالرعب وبيننا أنا نائم رأيتني أوتيت بمفاتيح خزائن الأرض فوضعت في يدي » [متفق عليه].

یعنی: ابوهریره می گوید که رسول الله ﷺ فرمود: کلام جامع برایم داده شده است، به رعب افگندن در قلب دشمنان نصرت داده ام و درخواب دیدم که کلیدهای گنجینه های زمین به من داده شده و در دستم نهاده شده.

۲- رسول الله ﷺ لغت حرف نمی زد:

رسول الله ﷺ هنگام حرف زدن طوری حرف می زد که همه سخنان او را بدرستی می دانستند ، همین که از زبانش خارج می شد ؛ به حافظه ها و قلوب جای می گرفت ، هرگز لغت حرف نمی زد که طرف مقابل آنرا درک نکند (به طور عامیانه حرف میزد).

«وعن عائشة قالت: كان كلام رسول الله ﷺ كلاماً فصلاً يفهمه كل من يسمعه» [رواه أبو داود].

یعنی: «از عایشه روایت شده است که گفت: سخن پیامبر ﷺ سخنی روشن و آشکار بود که هر کس آن را می شنید، می فهمید».

۳- رسول الله ﷺ جواب دشنام را به دشنام نمی داد:

رسول الله ﷺ هنگامی که کسی او را دشنام می داد؛ پس سکوت می نمود و هیچ صحابی را اجازه نمی داد که در مقابل دشنام و توهین اشخاص؛ توهین و دشنام داده شود، بلکه معامله آنان را به الله واگذار می نمود.

وعن أبي هريرة قال : قال رسول الله ﷺ : « ألا تعجبون كيف يصرف الله عني شتم قريش ولعنهم ؟ يشتمون مذمما ويلعنون مذمما وأنا محمد » . [رواه البخاري] .

یعنی: از ابوهریره روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: آیا تعجب نمی کنید که الله تعالی چگونه دشنام های مشرکان قریش و لعنت کردن ایشان را از من باز می دارد؛ مذمم را دشنام می دهند و مذمم را لعنت می کنند و من محمد ام.

۴- رسول الله ﷺ هر کار را از طرف راست انجام می داد:

رسول الله ﷺ تمامی کار های نیک را (به جز رفتن بیت الخلاء) همراهی دست راست خود انجام می داد خواه هرکاری که می بود.

«وعن عائشة قالت: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي شَأْنِهِ كُلِّهِ: فِي طُهُورِهِ، وَتَرْجُلِهِ، وَتَنَعُّلِهِ» [متفق عليه].

یعنی: «از عایشه روایت شده است که گفت: پیامبر ﷺ شروع و انجام از راست و جلو انداختن آن را در تمام کارهایش در غسل و وضو و شانه کردن موی سر و پوشیدن کفش خویش، دوست می داشت.»

۵- رسول الله ﷺ هرگز از هیچ نوع غذائی عیب نمی گرفت:

رسول الله ﷺ همانند برخی از ما نبود که از طعام ها و نوشیدنی ها عیب بگیرد که این طعام شور است یا شیرین و یا هم تلخ! اگر اشتهايش می بود می خورد ورنه آنرا بدون اینکه از آن عیب بگیرد ترک می کرد.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: مَا غَابَ النَّبِيُّ ﷺ طَعَامًا قَطُّ، إِلَّا اشْتَهَاهُ أَكَلَهُ وَإِنْ كَرِهَهُ تَرَكَهُ. [بخاری (۵۴۰۹)].

ابوهریره می گوید: هرگز نبی اکرم ﷺ از غذایی، ایراد نگرفت. اگر مورد علاقه اش بود، می خورد وگرنه، آنرا ترك می کرد.

۶- رسول الله ﷺ اطفال را می بوسید:

رسول الله ﷺ محبت خاصی با اطفال داشت ، آنان را می بوسید و بالای زانوی خود آنها را می گرفت. و کسی را که محبت با اطفال نمی داشت ، انرا توصیه می نمود.

«وعن أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَبَّلَ النَّبِيُّ ﷺ الْحُسَيْنَ ابْنَ عَلِيٍّ ، وَعِنْدَهُ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ، فَقَالَ الْأَقْرَعُ: إِنَّ لِي عَشْرَةً مِنَ الْوَلَدِ مَا قَبَّلْتُ مِنْهُمْ أَحَدًا فَنَظَرُ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: «مَنْ لَا يَرْحَمَ لَا يُرْحَمُ» [متفق عليه].

یعنی: «از ابوهریره روایت شده است که گفت: پیامبر ﷺ حسن بن علی را بوسید، «اقرع بن حابس» که در خدمت او بود، گفت: من ده فرزند دارم که هرگز هیچ کدام از آنها را نبوسیده‌ام، پیامبر ﷺ به او نگاه کردند و فرمودند: «هر کس رحم نکند، به او رحم نمی‌شود»».

۷- رسول الله ﷺ همیشه قیلوله می نمود:

رسول الله ﷺ در تمامی عمر خویش (به جز روز جمعه) قیلوله می نمود و حتی اگر در سفر نیز می بود ، پس قیلوله خود را انجام می داد ، و اگر گاهی در روز قیلوله آن ترک می شد ، پس در مدت زمان معین همان روز ، در عوض آن قیلوله می کرد.

تعریف قیلوله؛ یعنی: چند لحظه ای خوابیدن قبل از نماز پیشین.

وعن أم سليم أن النبي ﷺ كان يأتيها فيقبل عندها فتبسط نطعا فيقبل عليه وكان كثير العرق فكانت تجمع عرقه فتجعله في الطيب . فقال النبي ﷺ : " يا أم سليم ما هذا ؟ " قالت : عرقك نجعله في طيبنا وهو من أطيب الطيب. [متفق عليه].

یعنی: ام سلیم رضی الله عنها می گوید: رسول الله ﷺ نزد آنها میرفت و قیلوله (در وقت چاشت استراحت) می کرد، ام سلیم برایش بساطی از چرم را می گسترانید و رسول الله ﷺ بر آن می خوابید و پیامبر ﷺ بسیار عرق می کرد و ام سلیم عرق های رسول الله ﷺ جمع میکرد و آنرا در طیب و خوشبوئی می آمیخت (روزی رسول الله ﷺ او را بر جمع کردن عرق دید) و فرمود: ای ام سلیم! این چیست؟ و آنرا چی میکنی؟ ام سلیم گفت: این عرق توست آنرا در خوشبوئی های خود خلط می کنیم و عرق تو از بهترین خوشبوئی هاست.

و نیز رسول الله ﷺ میفرماید: «قِيلُوا فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَا تَقِيلُ» [السلسلة الصحيحة ۱۶۴۷].

یعنی: قبل از فرا رسیدن نصف نهار خواب قیلوله کنید (چون) شیطان قیلوله نمی کند.

۸- رسول الله ﷺ هرگاه کسی را می دید؛ در چهره اش می خندید:

این عادت زیبای امام اعظم محمد رسول الله ﷺ است ، او یکی از صدقه هایی که (فشار مالی در آن بالایت نیست) خنیدن در روی برادر مسلمانان است ، همین که ترا ببیند قلب او تازه گردد.

عن قیس قال سمعته یقول قال جریر بن عبد الله - رضی الله عنه - ما حببني رسول الله ﷺ منذ أسلمت ولا رأني إلا ضحكاً [متفق علیه].
یعنی: جریر بن عبد الله رضی الله عنه می گوید: پیامبر ﷺ مرا نمی دید مگر آنکه در چهره ی من لبخند می زد.

امام ذهبی رحمه الله درباره ی این حدیث می گوید: این اخلاق اسلام است؛ زیرا بالاترین مقامات، مقام و منزلت کسی است.

۹- رسول الله ﷺ وقتی که جگر خون و خفه میشد؛ روی او سرخ می گردید:

رسول الله ﷺ در غیر از خفگی و جگر خونی؛ چهره اش می درخشید گویا روی او مثل مهتاب چهارده است، لیکن هنگام خفه بودن رنگ و چهره او متغیر می گردید و چنان روی او سرخ می گردید گویا در روی او کسی آب انار را پاش داده است.

عن جابر بن عبد الله قال: «كان رسول الله ﷺ إذا خطب احمرت عيناه و علا صوته و اشتد غضبه كانه منذر جيش يقول صباحكم ومساكم» [الإرواء ۶۱۱].

یعنی: پیامبر ﷺ وقتی خطبه میخواند چشمانش سرخ و صدایش بلند میشد و عصبانیتش شدت پیدا میکرد انگار از آمدن لشکری هشدار میدهد و میگوید: دشمن صبح و شام به شما حمله میکند.

۱۰- رسول الله ﷺ حتی کلمه «اف» را برای دوستانش استعمال نمی کرد:

هرکسی که حرف های رسول الله ﷺ را انجام می داد و یا نمی داد (منظور انجام کار های دنیوی است) درمقابلش حتی کلمه «اف» را استعمال نمی کرد چه خاصا که با وی بجنگد یا او را دشنام و توهین نماید.

«وعن انس قال: مَا مَسِسْتُ دِيْبَاجًا وَلَا حَرِيرًا أَلَيْتُ مِنْ كَفِّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ، وَلَا شَمَمْتُ رَائِحَةً قَطُّ أَطْيَبَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ، وَلَقَدْ خَدَمْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَشْرَ سِنِينَ، فَمَا قَالَ لِي قَطُّ: أَفْ، وَلَا قَالَ لِشَيْءٍ فَعَلْتُهُ: لَمْ فَعَلْتُهُ؟ وَلَا لَشَيْءٍ لَمْ أَفْعَلْهُ: أَلَا فَعَلْتُ كَذَا؟» [متفق عليه].

یعنی: «از انس روایت شده که گفت: هیچ ابریشم نازک و درشت را احساس نکردم، که از کف دست رسول الله ﷺ نرمتر باشد، و هیچ بوئی را هرگز استشمام نکردم که از بوی رسول الله ﷺ بهتر باشد. همانا ده سال خدمت پیامبر ﷺ را نمودم و هرگز برلم نه «اف» گفت و نه هم برای کاری که انجام دادم، به من نگفت: چرا اینکار را انجام دادی؟ و برای کاری که انجام ندادم به من نگفت که چرا چنین نکردی؟».

۱۱- رسول الله ﷺ هرگز کدا وسوالگري را از خود نمی راند:

درست است که گدائی وسوالگري در شريعت تحریم شده است لیکن از عادت رسول الله ﷺ این بود که هرگز با گدا معامله ای نمی کرد که او خجالت زده شود.

«وعن أنس قال: كُنْتُ أَمْشِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَعَلَيْهِ بُرْدٌ بُخْرَانِيٌّ غَلِيظٌ الْحَاشِيَةِ، فَأَدْرَكَهُ أَعْرَابِي، فَجَبَذَهُ بِرِدَائِهِ جَبَذَةً شَدِيدَةً، فَنَظَرْتُ إِلَى صَفْحَةِ عَاتِقِ النَّبِيِّ ﷺ، وَقَدْ أَثَرَتْ بِهَا حَاشِيَةُ الرِّدَاءِ مِنْ شِدَّةِ جَبَذَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ مَرُّ لِي مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَكَ. فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ، فَضَحِكَ، ثُمَّ أَمَرَ لَهُ بِعَطَاءٍ». [متفق عليه].

یعنی: «از انس روایت شده که گفت: من همراه رسول الله ﷺ می رفتم در حالیکه بردی بخرانی دارای کناره های غلیظ و سخت بر شانه ای مبارک بود، سپس اعرابی به وی رسیده و ردای شان را گرفته بسختی کشید. من به کناره ای شانه ای پیامبر ﷺ نگریسته دیدم که کناره ای برد از بسکه به سختی کشیده شده بود بر آن اثر گذاشته بود. باز گفت: ای محمد! امر کن برایم از مال الله که نزد تو است. رسول الله ﷺ به وی نگریسته تبسم نمود و باز امر کرد که به وی چیزی داده شود».

۱۲- هرگز از رسول الله ﷺ چیزی خواسته نشده که (نه) گفته باشد:

هرگاه چیزی نزد رسول الله ﷺ می بود و شخصی آنرا طلب می کرد ؛ فوراً آنرا برایش تقلیم می نمود و از دادن آن ابا نمی ورزید ، و اگر احیاناً چیزی هم نمی داشت و کسی طلب می کرد ، پس برای او وقت می داد و سپس برای آن اعطا می نمود.

«وعن جابرٍ قال: ما سُئِلَ رسول الله ﷺ شَيْئاً قَطُّ فقال: لا». [متفقٌ عليه].

یعنی: «جابر گفت: هرگز از رسول الله ﷺ چیزی نخواستند که نه گفته باشد».

۱۳- کسیکه از رسول الله ﷺ سوال می کرد؛ برای اینکه سوال او مخفی بماند؛ دور ترین جای را انتخاب می نمود:

رسول الله ﷺ هنگام پرسیدن سوال؛ اگر می دانست که این سوال (شخصی) است و مخفی کردن آن از دیگران سبب حفظ حرمت این شخص می گردد؛ پس آنرا مخفی می گذاشت.

وعن انس: أن امرأة كانت في عقلها شيء فقالت: يا رسول الله إني لي إليك حاجة فقال: " يا أم فلان انظري أي السكك شئت حتى أقضي لك

حاجتک " فخلا معها في بعض الطرق حتى فرغت من حاجتها . [رواه مسلم] .

یعنی: یک زن در عقل وی خللی بود گفت یارسول الله ﷺ باتو کار پوشیده دارم، رسول الله ﷺ به وی گفت: ای مادر فلان! به هر کوچه ای که میخواهی با تو میروم تا مشکل ترا رفع گردانم ، پس رسول الله ﷺ با وی در یکی از راه ها تنها شد تا آنکه آن زن همه ای مشکلات خود را عرض نمود و به رسول الله ﷺ بیان نمود.

۱۴- هرگاه رسول الله ﷺ می خواست کسی را سرزنش کند؛ فقط می گفت: «پیشانی اش خاک آلوده باد»:

در هر زمانه ای گنهکارانی وجود دارند وعده ای گناه زیاد وعده گناه اندکی انجام می دهند ودر جامعه ای ما هرکس با گنهکاری مواجه شود او را چنان سرزنش میکنند که از ایمان واسلام دست بر میدارد ، ولیکن در عصر رسول الله ﷺ هنگامیکه کدام شخص گنهکاری را ویا شخصی را که می خواست سرزنش کند؛ فقط می گفت: دست ویا روی او خاک آلوده باد.

وعن أنس قال : لم يكن رسول الله صلى الله عليه وسلم فاحشا ولا لعانا ولا سبابا كان يقول عند المعتبة : " ما له ترب جبينه ؟ " . [رواه البخاري] .

یعنی: نبود رسول الله ﷺ ، لعنت کننده ، فحاش و دشنام دهنده و هنگامی که کسی را می خواست عتاب و سرزنش کند میفرمود: «بر او چه شده است پیشانی او خاک آلوده باد».

۱۵- مزاح رسول الله ﷺ این بود: «ای صاحب دو دست!»، «ای صاحب دو بینی!»، «دست خاک آلوده باد»، «ای صاحب دو گوش، و غیره...»

رسول الله ﷺ و یارانش هم شوخی کرده اند در میان خود و دیگران و حتی با کودکان نیز شوخی نموده اند چون گاهی وقت ها شاد بودن و خندیدن برای روحیه هر شخصی لازم است (البته پیامبر ﷺ هیچگاه با صدای بلند نمی خندید فقط تبسم و لبخند داشت) (اما خندیدن و شوخی هایی که گناه و حرام نباشد و انسان را از یاد الله غافل نکند و سبب مسخره کسی نشود جائز است).

و تفاوت مزاح ما با مزاح رسول الله ﷺ اینست که مزاح او سبب تخریب هویت و تمسخر انسانها نمی شد ولیکن مزاح ما عبارت است از عیب گرفتن و تمسخر افراد وزیر سوال بردن هویت آنها است.

نمونه ای از مزاح های پیامبر ﷺ :

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: إِنْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَيُخَالِطُنَا حَتَّى يَقُولَ لِأَخِي صَغِيرٍ: «يَا أَبَا عُمَيْرٍ! مَا فَعَلَ النَّعِيرُ؟» [بخاری: ۶۱۲۹].

یعنی: انس بن مالک می گوید: نبی اکرم ﷺ به اندازه ای با ما نشست و برخاست داشت که (شوخی می کرد) و به برادر کوچکم می فرمود: «ای ابوعمیر! حال تُغیر چطور است؟» (تُغیر، پرنده کوچکی بود که ابوعمیر با آن بازی می کرد و بعداً آن مرد).

وعن أنس قال: أن النبي ﷺ قال له: "يا ذا الأذنين". [رواه أبو داود والترمذي].

یعنی: انس رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله ﷺ برای وی گفت: «ای صاحب دو گوش!».

و نیز روایت شده است که ؛ پیرزنی انصاری خدمت رسول الله ﷺ رسید و گفت؛ ای رسول الله! دعاکن که الله مرا بیامزد و بهشت نصیب کند. پیامبر ﷺ فرمود: آیا نمیدانی پیرزن وارد بهشت نمیشود؟ پیرزن گریست. پیامبر ﷺ تبسم کرد و فرمود: تو آن روز پیرزن نخواهی بود آیا این آیه را خوانده ای که الله میفرماید: «ما حوریان را بگونه ای خاص آفریدم آنان را دوشیزگانی ساخته ام که شیفته همسران خود هستند و با آنان هم سن و سال اند» [ترمذی و سلسله صحیحہ ۲۹۸۷].

یکی از یاران پیامبر ﷺ بنام نعمان که بسیار خوش سخن و بذله گو بود و با پیامبر نیز شوخی میکرد از جمله... هرگاه چیز کمیابی به مدینه وارد میشد آن را میخرید و برای پیامبر میبرد و میگفت: ای رسول ﷺ این را به

شما هدیه می‌کنم ، وقتی صاحب مال برای گرفتن بھای آن می آمد ،
نعیمان اورا نزد پیامبر میبرد و میگفت؛ ای رسول الله! پول جنس این مرد را
پرداخت کن ، پیامبر میفرمود: مگر تو آن را هدیه به من ندادی؟! نعیمان
میگفت: ای رسول الله! به الله قسم پول آن را نداشتم اما دوست داشتم
که شما از آن میل کنید ، پیامبر نیز می خندید و پول شخص را پرداخت
میکرد. [آورده ابن عبدالبر].

۱۶- رسول الله ﷺ لعن کویی و نفرین کو؛ نبود:

یکی از عادت های رسول الله ﷺ این بود که لعنت و نفرین حتی بر دشمنش
نمی فرستاد چه خاصا که بر یک فرد مؤمن لعنت بفرستد ، و قبل از اینکه
برای دشمنانش دعای لعنت نماید، پس برای آنها دعای هدایت می نمود.
وعن أنس قال : لم یکن رسول الله ﷺ فاحشا ولا لعانا ولا سبابا کان یقول
عند المعتبة : " ما له ترب جبینه ؟ " . [رواه البخاری].

یعنی: نبود رسول الله ﷺ ، لعنت کننده ، فحاش و دشنام دهنده و هنگامی
که کسی را می خواست عتاب و سرزنش کند میفرمود: «بر او چه شده
است پیشانی او خاک آلوده باد».

و نیز روایت شده است که : قال النبی ﷺ « لَیْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَّانِ ، وَلَا
اللَّعَّانِ وَلَا الْفَاحِشِ ، وَلَا الْبَذِیِّ » [روایت ترمذی] .

یعنی: رسول الله ﷺ میفرماید: مؤمن بسیار طعنه زننده و لعنتگر و بدگفتار و بدکردار نیست.

«وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «لَا يَنْبَغِي لِصَدِّيقٍ أَنْ يَكُونَ لَعَانًا» [رواه مسلم].

یعنی: «از ابو هریره روایت است که: رسول الله ﷺ فرمود: برای هیچ صدیقی نمی‌زیید که زیاده لعنت فرستد».

۱۷- رسول الله ﷺ برای هیچ کسی دعای بد نمی‌کرد:

رسول الله ﷺ برای همگی دعای هدایت می‌نمود و تا زمانیکه شخصی علیه دین و آبرو و عزت مسلمان تعرض نکرده، بر آنها دعای هلاکت نمی‌نمود. وعن أبي هريرة قال: قيل: يا رسول الله ادع على المشركين. قال: "إني لم أبعث لعانا وإنما بعثت رحمة". [رواه مسلم].

یعنی: ابوهریره می‌گوید که برای رسول الله ﷺ گفته شد یا رسول الله ﷺ به مشرکین دعایی بد کن، رسول الله ﷺ فرمود: من جهت لعنت کردن مبعوث نگردیده‌ام، بلکه هرآئینه من سبب رحمت (برجهانیان) فرستاده شده‌ام.

۱۸- رسول الله ﷺ بیشتر از دختران خانه حیاء داشت:

حیاء لازمه ای ایمان است باید هر شخص مسلمان آنرا داشته باشد ولیکن حیاء رسول الله ﷺ بیشتر از همه بود طوریکه حیایی او بیشتر از حیاء دختران (هنگامیکه از آنها پرسیده شود آیا شوهر می کنید و آنها شرم میکنند) بود. وعن أبي سعيد الخدري قال : كان النبي ﷺ أشد حياء من العذراء في خدرها فإذا رأى شيئاً يكرهه عرفناه في وجهه . [متفق عليه].

یعنی: رسول الله ﷺ بیشتر از دختر باکره حیاء داشت ، و هنگامیکه چیزی را ناخوش می داشت اثر آنرا در روی مبارک وی می دیدم.

۱۹- تنها خنده رسول الله ﷺ تبسم بود:

رسول الله ﷺ مثل ما خنده ای صدا دار نمی نمود بلکه زیاد خنده اش تبسم بود ، و گاهی خنده که میکرد کله دندان هایش معلوم میگردد.

« وعن عائشة قالت: مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مُسْتَجْمِعاً قَطُّ ضَاحِكاً حَتَّى تُرَى مِنْهُ هَوَاتُهُ، إِنَّمَا كَانَ يَتَبَسَّمُ » [متفق عليه].

یعنی: «از عائشه روایت شده که گفت: هیچ وقت ندیدم که رسول الله ﷺ در خندیدن مبالغه کرده باشند، طوری که گوشت آخر دهان شان دیده شده باشد. همانا پیامبر ﷺ تبسم می نمود».

«عمر بن عوف انصاری روایت می کند که پیامبر الله ﷺ ابو عبیده بن الجراح را به بحرین فرستاد، که جزیه آنها را بیاورد، و او هم مالی را از بحرین آورد. انصار از آمدن ابو عبیده آگاهی یافته، و در نماز صبح حاضر و آنها را با پیامبر ﷺ ادا نمودند. رسول الله ﷺ آنها را دیده تبسم فرمودند و گفت: گمان می کنم، شنیده اید که ابو عبیده مالی را از بحرین آورده است؟

جواب دادند: بلی ای پیامبر الله ﷺ!

فرمود: شاد باشید و امیدوار به آنچه شما را شاد سازد! به الله قسم من از فقر بر شما نمی ترسم، لیکن ترسم از اینست که دنیا بر شما فراخ شود، چنانچه برگذشتگان شد و مانندشان با هم رقابت و همچشمی نمائید و چون آنان هلاک شوید» [ریاض الصالحین].

۲۰- رسول الله ﷺ سخنانش را سه بار تکرار می کرد:

رسول الله ﷺ داعی ای بود که از تکرار سخنانش خسته نمی شد، اگر یک مسئله مهم می بود آنها مکررا بیان می فرمود بدون از اینکه خستگی احساس کند و حتی زمانی که سنش بلند رفته بود هم حرف هایش را مکررا برای امتیان بیان می نمود.

«عن أنس أن النبي ﷺ كَانَ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلَاثًا حَتَّى تُفْهَمَ عَنْهُ، وَإِذَا أَتَى عَلَى قَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا» [رواه البخاري].

یعنی: «از انس روایت شده است که گفت: پیامبر ﷺ هر گاه سخنی می فرمود، (اگر مقام و حال ایجاب می کرد) سه بار آن را تکرار می فرمود تا از او فهمیده شود و هر گاه بر عده ای وارد می شد و بر آنان سلام می کرد، سه بار سلام می فرمود (به خاطر کثرت حضار یا احتمال غفلت و نشنیدن آنها)».

۲۱- رسول الله ﷺ پی در پی (مسلسل) حرف نمی زد بلکه آهسته ، آهسته حرف می زد:

رسول الله ﷺ مثل بعضی از خطیبان امروزی نبود که چنان سخنان آتشین میزنند که گویا برای کرها وعظ دارند ، بلکه سخنان نرم وملائم وآهسته می زد که سبب خستگی شنوندگان قرار نگیرد.

وعن عائشة قالت : «إن رسول الله ﷺ لم يكن يسرد الحديث كسردهم كان يحدث حديثا لو عده العاد لأحصاه» [متفق عليه].

یعنی: عائشه می گوید: هیچ گاه رسول الله ﷺ مسلسل سخن نمی گفت ، چنانکه شما می گوئید ، بلکه رسول الله ﷺ چنان صحبت می کرد که اگر شمارنده می خواست آنرا شمار کند ، هر آئینه آنرا می شمرد.

۲۲- رسول الله ﷺ در کارهای خانه؛ همسرانش را تنها نمی گذاشت:

رسول الله ﷺ مثل برخی از ما نبود که تمام فشار و کار خانه را بالای زنان تحمیل کند ؛ او رحمت للعالمین بود ، در بیرون بهترین فرد و نیز در خانه بهترین فرد بود ، همسرانش را نمی گذاشت که تمام فشار بالای آنها قرار گیرد.

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا سُئِلَتْ: مَا كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَصْنَعُ فِي بَيْتِهِ؟ قَالَتْ: كَانَ يَكُونُ فِي مِهْنَةِ أَهْلِهِ، تَعْنِي خِدْمَةَ أَهْلِهِ، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ خَرَجَ إِلَى الصَّلَاةِ. (بخاری: ۶۷۶) .

یعنی: عایشه رضی الله عنها می گوید: از من درباره اموری که رسول الله ﷺ در خانه انجام می داد، سؤال نمودند. جواب دادم: رسول الله ﷺ در کارهای خانه، همسران خود را کمک می کرد. اما به محض اینکه وقت نماز فرا می رسید، برای نماز، بیرون می رفت.

۲۳- رسول الله ﷺ انتقام گیر نبود:

رسول الله ﷺ هیچگاه نشده است که بخاطر خصومت یکه با او کرده بودند ، انتقام بگیرد ، اصلاً گرفتن انتقام در خصلت و اخلاقش نبود و همیشه بخشش و گذشت را بر اصحابش تعلیم می داد. اما اگر کسی علیه دین

و رب العالمین و افراد مظلوم ظلم می کرد ، پس صبرش لبریز شده و از آنها دفاع می نمود.

«و عن عائشة قالت: ما ضرب رسول الله ﷺ شیئاً قط بیده، ولا امرأَةً ولا خادمًا، إِلَّا أَنْ يُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وما نِيلَ مِنْهُ شَيْءٌ قَطُّ فَيَنْتَقِمَ مِنْ صاحِبِهِ إِلَّا أَنْ يُنْتَهَكَ شَيْءٌ مِنْ مُحَارِمِ اللَّهِ تعالى: فَيَنْتَقِمَ لِلَّهِ تعالى». [رواه مسلم].

«عائشه گفت که: رسول الله ﷺ هرگز چیزی را بدست خویش نزدند و نه زنی را و نه خادمی را، مگر اینکه جهاد فی سبیل الله نموده باشد، و هیچ تجاوزی بر ایشان نشد که برای خویش انتقام گرفته باشد، مگر اینکه به حریم شریعت الهی تجاوز شده باشد و رسول الله ﷺ فقط برای حق تعالی انتقام گرفته باشد».

۲۴- رسول الله ﷺ بین دو کار؛ آسانترین آنرا انتخاب می نمود:

متأسفانه بعضی از سختگیران در دین؛ دین را خیلی سخت جلوه داده و بین دو امر مباح، مشکلترین آنرا انجام داده و برای مردم آنرا تبلیغ می کنند حال آنکه رسول الله ﷺ بین دو عمل آسان (اما مشروع) آسان ترین آنرا انجام می داد.

«وعن عائشة قالت: مَا خَيْرُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بَيْنَ أَمْرَيْنِ قَطُّ إِلَّا أَحَدٌ أُيَسَّرَ هُما، مَا لَمْ يَكُنْ إِثْمًا، فَإِنْ كَانَ إِثْمًا كَانَ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُ. وَمَا انْتَقَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِنَفْسِهِ فِي شَيْءٍ قَطُّ، إِلَّا أَنْ تُنْتَهَكَ حُرْمَةُ اللَّهِ، فَيَنْتَقِمَ لِلَّهِ تَعَالَى». [متفق عليه].

یعنی: «عائشه می گوید: هرگز مخیر نگردید رسول الله ﷺ میان دو کار، مگر اینکه آسانتر آن را می گرفت، مادامیکه گناه نمی بود. اگر گناه می بود، دورترین مردم از آن می بود و هرگز پیامبر ﷺ برای خود در هیچ چیزی انتقام نگرفت، مگر اینکه حريم الله پایمال شده باشد و آنگاه برای الله انتقام می گرفت».

۲۵- رسول الله ﷺ بدی را به بدی جواب نمی داد:

و نیز:

۲۶- رسول الله ﷺ صدایش را در ملاعام بلند نمی کرد:

این رهبر ما است ، رهبری که برایش بدی می کردند ، اما هرگز بدی را به بدی جواب نمی داد بلکه توسط اخلاق و گذشت خود ، دشمنانش را شکست داده و آنها سر به تسلیمی می نهادند ، بله او کسی نیست جز محمد ﷺ .

وعن عائشة رضي الله عنها قالت : لم يكن رسول الله ﷺ فاحشا ولا متفحشا ولا سخابا في الأسواق ولا يجزي بالسيئة السيئة ولكن يعفو ويصفح. [رواه الترمذي].

یعنی: عائشه رضي الله عنها می گوید که رسول الله ﷺ نه مزاج فحش گوئی داشت و نه به تکلف فحش می گفت ، و نه صدایش را در بازار ها بلند می کرد و نه بدی را به بدی پاداش و جواب می داد بلکه گذشت و عفو می کرد.

۲۷- رسول الله ﷺ هرگز کسی را ملامت نمی کرد:

رسول الله ﷺ اگر در امور دنیوی کسی حرفش را نمی شنید و یا می شنید و فراموشش می شد ؛ پس او را ملامت و توبیخ نمی کرد و خود برای فراموشی فرد ، بهانه ای می آورد تا آن مورد خجالت دیگران قرار نگیرد.

عن أنس قال : خدمت رسول الله ﷺ وأنا ابن ثمان سنين خدمته عشر سنين فما لامني على شيء قط أتي فيه على يدي فإن لامي لائم من أهله قال : " دعوه فإنه لو قضي شيء كان "[مشكاة].

یعنی: انس رضي الله عنه می گوید: من پسر هشت ساله بودم که رسول الله ﷺ را خدمت می کردم و او را ده سال خدمت کردم و هیچگاه مرا به کاری که از دستم خراب می شد ملامت نکرده است و هرگاه کسی از اهل

خانه ای او (ﷺ) مرا ملامت می کرد میفرمود: او را بگذارید هر آئینه چیزیکه از جانب الله قضا و فیصله شده باشد حتما شدنی است و میشود.

۲۸- رسول الله ﷺ فوراً درمقابل گنهکاران عکس العمل نشان نمی داد:

رسول الله ﷺ هنگام برخورد با افراد گنهکار زود خشمگین نشده و فوراً درمقابل آن عکس العمل نشان نمی داد که آنرا تکفیر کند و یا هم اصحاب را امر کند تا او را لت کوب نمایند... بلکه با بصیرت و حکمت پیش می رفت.

«وعن أبي هريرة قال: بَالَ أَعْرَابِيٌّ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَامَ النَّاسُ إِلَيْهِ لِيَقْعُوا فِيهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: دَعُوهُ وَأَرِيقُوا عَلَى بَوْلِهِ سَجَلاً مِنْ مَاءٍ، أَوْ ذَنْباً مِنْ مَاءٍ، فَإِنَّمَا بُعِثْتُمْ مُبَسِّرِينَ وَمَنْ تُبْعَثُوا مُعَسِّرِينَ» [رواه البخاری].

«ابوهریره روایت نموده گفت: اعرابی در مسجد بول نمود، مردم برخاستند تا او را بزنند. پیامبر ﷺ فرمود: او را بگذارید (که بول خود را تمام کند) و بر بول او دلوی یا چند دلوی آب بریزید، زیرا شما برانگیخته شده اید تا آسانگیر باشید و برای آن برانگیخته نشده اید که سختگیری کنید».

فکر کنید! اگر شما به عوض پیامبر می بودید و کسی در مسجد بول می کرد چه عکس العملی از خود نشان می دادید؟!.

۲۹- رسول الله ﷺ زود احساساتی نمی شد:

رسول الله ﷺ یکی از عادت های که سبب جهانی شدن وی شد این بود که زود بالای افراد احساساتی نمی شد بلکه برای افراد وقت می داد و آنان را بعد از سپری کردن مدت زمانی نزد خود طلب می کرد و با صبر تام مفکوره اشتباه فرد را تصحیح می کرد بدون اینکه بین هردو بغض و حسد ایجاد گردد.

در حدیث صحیح آمده است که : جوانی نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: ای رسول الله ﷺ اجازه بده تا زنا کنم!

صحابه خواستند این جوان را تهدید کنند رسول الله ﷺ گفت: بس ، بس تهدید نکنید.

سپس رسول الله ﷺ فرمود: این جوان را نزدیک من کنید و انرا نزدیک رسول الله ﷺ آوردند و نشست.

رسول الله ﷺ فرمود: ایا دوست داری کسی با مادرت زنا کند؟!

شخص گفت: قسم به الله هرگز نمیخواهم بگردانم مرا الله فدای تو.

رسول الله ﷺ فرمود: پس مردم نیز خوش ندارند که با مادر شان زنا شود.

رسول الله ﷺ فرمود: ایا دوست داری کسی با خواهرت زنا کند؟!

شخص گفت: قسم به الله هرگز نمیخواهم بگردانم مرا الله فدای تو.

رسول الله ﷺ فرمود: پس مردم نیز خوش ندارند که با خواهر شان زنا شود.

رسول الله ﷺ فرمود: ایا دوست داری کسی با دخترت زنا کند؟!
 شخص گفت: قسم به الله هرگز نمیخواهم بگرداند مرا الله فدای تو.
 رسول الله ﷺ فرمود: پس مردم نیز خوش ندارند که با دختر شان زنا شود.

رسول الله ﷺ فرمود: ایا دوست داری کسی با عمه ات زنا کند؟!
 شخص گفت: قسم به الله هرگز نمیخواهم بگرداند مرا الله فدای تو .
 رسول الله ﷺ فرمود: پس مردم نیز خوش ندارند که با عمه ی شان زنا شود.

رسول الله ﷺ فرمود: ایا دوست داری کسی با خاله ات زنا کند؟!
 شخص گفت: قسم به الله هرگز نمیخواهم بگرداند مرا الله فدای تو.
 رسول الله ﷺ فرمود: پس مردم نیز خوش ندارند که با خاله شان زنا شود.

سپس رسول الله ﷺ دست خویش بر ان مرد گذاشت وفرمود: الهی گناهان این جوان را ببخش ، وقلب واندام مخصوص انرا پاک کن.
 بعد از این واقعه این جوان طرف هیچ چیز التفات نکرد.[مسند احمد].

۳۰- کسی را که رسول الله ﷺ سرزنش می کرد به اشاره سرزنش می کرد:

کسی را که رسول الله ﷺ سرزنش می کرد به اشاره سرزنش می کرد ، هیچگاه نشده است که از گنهکاران در ملاءعام نام ببرد ، زمانیکه بر همسرش (عائشه) تهمت زنا زدند، اسماء تمامی آنها را می دانست ، لیکن نام هیچ یکی از آنها را نگرفت، چون دعوتگر زمانی دعوت او کامیاب میشود که در سخنرانی خود مستقیماً بر یک جانب حمله نکند یکبار رسول الله ﷺ گفت: «ما بال أناس یشرطون شروطاً لیست فی کتاب الله».

یعنی : برای مردم چه حال است که شروطی را میگذارند که در کتاب الله عزوجل نیست! [صحیح مسلم].

۳۱- هیچ عیادت مریضی و هیچ جنازه ای از رسول الله ﷺ ترک نمی شد:

رسول الله ﷺ از حال واحوال اصحابش جويا می شد ، اگر آنان مریض می بودند پس اولین کسیکه احوال آنان را نسبت به دیگران جويا می شد ، رسول الله ﷺ می بود و هیچ جنازه ای از اصحابش از او ترک نمی شد ، و اگر احیاناً ترک می شد ، جنازه غائبانه او را ادا می کرد.

وعن أنس يحدث عن النبي ﷺ أنه كان يعود المريض ويتبع الجنازة ويجيب دعوة المملوك ويركب الحمار لقد رأيته يوم خير على حمار خطامه ليف. [رواه ابن ماجه والبيهقي في " شعب الإيمان "].

یعنی: رسول الله ﷺ مریض را عیادت می کرد ودر پی جنازه می رفت (از غایت تواضع) دعوت غلام را می پذیرفت ، وبر خر سوار می شد وهرآئینه او را در روز خیر دیدم که بر خر سوار وریسمان مهار آن از پوست خرما بود.

۳۲- رسول الله ﷺ با وصفی که رهبر یک امت بزرگ بود؛ اما کالای خود را می دوخت وگوسفند را می دوشید:

امروز رهبران کشور های دنیا بهترین لباس را فقط یکبار می پوشند و برای خود بهترین خدمه های دنیا را بر می گزینند اما نه تنها که بعد از مرگ شان از یاد می روند بلکه در زندگی خویش هیبت و وقار نمی داشته باشند اما رسول الله ﷺ با وصفی که بزرگترین امت را رهبری و قیادت می کند ، ملائکه بر او می آیند و سبب فتح سرزمین ابرقدرت مندان جهان می گردد ، لیکن در خانه کار می کند ، لباس خود را خود پاک کرده و می دوزد، قرن ها از مرگ او سپری شده! اما یادش سبب تازگی قلب ها می گردد.

وعن عائشة قالت: «كان رسول الله ﷺ يخفض نعله ويخيط ثوبه ويعمل في بيته كما يعمل أحدكم في بيته» وقالت: كان بشرا من البشر يفلي ثوبه ويحلب شاته ويخدم نفسه» [رواه الترمذي].

یعنی: عائشه رضی الله عنها میفرماید که رسول الله ﷺ کفش خود را پیوند می کرد ، جامه های خود را می دوخت و درخانه خود کار می کرد چنانکه یکی از شما درخانه ای تان کار می کنید وگفت: او یک بشر (آدمی) بود جامه هایش را خودش می جست (از خس وخار و سپس پاک می کرد) وگوسفند خود را می دوشید و کار های خود را خودش می کرد.

۳۳- رسول الله ﷺ وقتی که با کسی دست پرسی می کرد؛ تا که آن شخص دست خود را دور نمی کرد ، رسول الله ﷺ دست خود را بر نمی داشت:

و نیز:

۳۴- رسول الله ﷺ پایش را طرف همنشین خود دراز نمی کرد:

رسول الله ﷺ در هنگام احوال پرسی دست جانب مقابل را (در روایتی) تکان می داد و تا خود شخص دست خود را از دست رسول الله ﷺ رها نمی کرد ، و رسول الله ﷺ دست وی را در دست خود می چسپاند. و هنگامیکه در مجلسی می نشست ، نهایت ادب را مراعت می کرد.

«وعن أنس أن رسول الله ﷺ كان إذا صافح الرجل لم ينزع يده من يده حتى يكون هو الذي ينزع يده ولا يصرف وجهه عن وجهه حتى يكون هو الذي يصرف وجهه عن وجهه ولم ير مقدما ركبتيه بين يدي جليس له» [رواه الترمذي].

یعنی: هنگامیکه رسول الله ﷺ با کسی مصافحه می کرد تا وقتی دست خود را بر نمی کشید که تا که آن مرد (جانب مقابل) نخست دست خود را برکشد و نه روی خود را از روی وی بر میگرداند تا آنکه او اولتر رویش را برگرداند و هیچ گاه دیده نشده است که پایش را پیش روی همنشین خود دراز کند.

۳۵- رسول الله ﷺ در مجالس مصروف چیزی دیگری نمی شد (بلکه توجه وی به سوی همنشینش می بود):

رسول الله ﷺ در مجالس مصروف چیزی نمی شد که همنشینش خسته گردد ، مانند اینکه من و شما در مجالس مصروف موبائل می شویم و مجلس را بر همنشین خود خسته کن میسازیم.

عبدالله بن عمر می گوید: پیامبر ﷺ انگشتی داشتند که آن را در انگشت شان کردند و فرمودند: «شَعَلَنِي هَذَا عَنْكُمْ مِنْذُ الْيَوْمِ، إِلَيْهِ نَظَرَةٌ، وَإِلَيْكُمْ نَظَرَةٌ ثُمَّ الْفَأْه- يعني الخاتم-».

یعنی: امروز نگاه به این انگشتر مانع توجه من به شما شده است، گاهی به او می‌نگرم و گاهی به شما - آنگاه انگشتر را انداخت. - [النسائي : ۲/ ۲۹۵].

۳۶- رسول الله ﷺ کار امروز را برای فردا نمی گذاشت و نیز چیزی را برای فردای خود ذخیره نمی کرد:

رسول الله ﷺ هر عمل را در زمانش انجام می داد ، و در انجام اعمال سستی نمی کرد که کار سخت و دشوار را بر روز دیگری بگذارد ، و هرچه امروز می داشت از آن میل می کرد و برای فردایش ذخیره نمی کرد.

«وعن أنس أن رسول الله ﷺ كان لا يدخر شيئا لغد» [رواه الترمذي].

یعنی: أنس رضی الله عنه میفرماید که رسول الله ﷺ هیچ چیز را به فردا ذخیره نمی کرد.

محدثین در شرح حدیث گفته اند که: یا مراد ذخیره کردن مال است و یا به تأخیر انداختن کار.

۳۷- رسول الله ﷺ زیاد حرف نمی زد:

رسول الله ﷺ زیاد حرف های بی معنی نمی زد ، حرف های را به زبان می آورد که در آن بحثی از رضایت الله بوده و انسان را در دنیا و آخرت کمک می کرد.

وعن جابر بن سمرة قال : « كان رسول الله ﷺ طويل الصمت » . [رواه في شرح السنة].

يعنی: جابر بن سمرة می گوید که رسول الله ﷺ خاموشی دراز داشت (تاوقت زیاد خاموش می بود وبدون ضرورت سخن نمی زد).

و نیز روایت شده است که رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فرمود: « مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ » . [رواه البخاری ۶۰۱۸].

یعنی: کسی که ایمان به الله و روز قیامت دارد، باید سخن نیک بگوید، یا خاموش و ساکت شود.

۳۸- رسول الله ﷺ آرام آرام وجدا جدا حرف می

زد:

رسول الله ﷺ طوری حرف نمی زد که سریع ، سریع باشد و شنوند را خسته سازد.

وعن جابر قال : « كان في كلام رسول الله ﷺ ترتيل وترسيل » [رواه أبو داود].

یعنی: جابر می گوید که رسول الله ﷺ آرام آرام وجدا جدا حرف می زد.

۳۹- رسول الله ﷺ یارانش را به غضب و خشم

نشدن توصیه می نمود:

یکی از عوامل شکست انسان ها غضب و قهر شدن است ، اما رسول الله ﷺ در زیادی از روایات اصحابش را از غضب شدن و قهر و غصه منع نموده است.

«وعن أبي هريرة أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ ﷺ: أَوْصِنِي قَالَ: «لَا تَعْصَبْ» فَرَدَّدَ مِرَارًا، قَالَ: «لَا تَعْصَبْ»» [رواه البخاری].

یعنی: «از ابوهریره روایت شده که: مردی برای پیامبر ﷺ گفت: مرا توصیه فرما! فرمود: خشم مکن، و چندین بار آئند تکرار کرد و در هر بار رسول الله ﷺ می فرمود: خشم مکن».

۴۰- رسول الله ﷺ روزانه بیش از هفتاد بار از الله

آمرزش می خواست:

رسول الله ﷺ با وصفی که معصوم بود و هیچ گناهی از او سر نزده والله او را از ارتکاب گناه حفظ داشته است ولیکن بخاطر شکرگزاری رب العالمین روزانه بیش از هفتاد بار از او آمرزش می خواست-پس ما چگونه هستیم؟-

در حدیث صحیح آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «و الله إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللهَ ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً» [صحیح الجامع: ۷۰۹۱].

یعنی: سوگند به الله که من، روزانه بیش از هفتاد بار از الله آمرزش می خواهم و به سوی او توبه می کنم.

۴۱- رسول الله ﷺ بخشنده ترین مردم بود:

رسول الله ﷺ در عمرش هیچ صحابی نبوده که از او تقاضای کمک نکرده باشد؛ مگر اینکه پیامبر گرامی مان (ﷺ) او را کمک کرده است، رسول گرامی مان (ﷺ) از احوال مسلمانان جويا می شد، فقیر را توصیه به صبر نموده و غنی را بخاطر کمک به فقیر بشارت به بهشت می داد.

وعن ابن عباس، رضي الله عنهما، قال: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ، ﷺ، أَجْوَدَ النَّاسِ، وَكَانَ أَجْوَدُ مَا يَكُونُ فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جَبْرِيلُ، وَكَانَ جَبْرِيلُ يَلْقَاهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فَيُدَارِسُهُ الْقُرْآنَ، فَلَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ، حِينَ يَلْقَاهُ جَبْرِيلُ أَجْوَدُ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ» [متفق عليه].

یعنی: از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که گفت: پیامبر ﷺ بخشنده ترین مردم بود و سخاوتمندتر از هر وقت، زمانی بود که در ماه رمضان جبرئیل نزدش می آمد. جبرئیل در تمامی شبهای رمضان، قرآن را با پیامبر ﷺ تکرار می نمود و آن رسول الله ﷺ در بخشش و خیر، از بادهای وزنده نیز سبقت می گرفت.

۴۲- رسول الله ﷺ عادت گذشت را داشت:

رسول الله ﷺ در تمامی عمر مبارکش؛ عادت گذشت و عفو را بالای نفس خویش قبولانده بوده و امت خود را بر این عمل مهم (گذشت و عفو) توصیه می نمود و داستان های از صبر و گذشت پیامبران و صالحان را برای اصحابش می گفت تا آنان نیز از خود گذری کار بگیرند..

«وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَحْكِي نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ، ضَرْبَهُ قَوْمُهُ فَأَدَمُوهُ، وَهُوَ يَمْسَحُ الدَّمَ عَنْ وَجْهِهِ، وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» متفق عليه.

«ابن مسعود گفت: گویی من بسوی رسول الله ﷺ می نگرم، در حالیکه ایشان در باره پیامبری از پیامبران علیه نبینا و علیهم الصلاة و السلام حکایت می نمودند که قومش وی را زده و خون آلود کردند و او خون را از رویش مسح نموده و میگفت: بار الهی بر قومم بیامرز، زیرا آنان نمی دانند».

۴۳- رسول الله ﷺ شخص گنهکار را دعای بد و نابودی نمی کرد:

خیلی از ما برخلاف رسول الله ﷺ، هنگام مواجه شدن با افراد عاصی و گنهکار او را به القاب بدی یاد می کنیم و آنرا روی سیاه دنیا و آخرت می نامیم در حالیکه پیامبر گرامی مان (ﷺ) اینگونه نبودند.

وعن أبي هريرة قال: «أُتِيَ النَّبِيُّ ﷺ بِرَجُلٍ قَدْ شَرِبَ خَمْرًا قَالَ: «اضْرُبُوهُ» قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: فَمِنَّا الضَّارِبُ بِيَدِهِ وَالضَّارِبُ بِنَعْلِهِ، وَالضَّارِبُ بِثَوْبِهِ. فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ: أَخْزَاكَ اللَّهُ، قَالَ: لَا تَقُولُوا هَكَذَا لَا تُعِينُوا عَلَيْهِ الشَّيْطَانَ» [رواه البخارى].

یعنی: «از ابوهریره روایت شده است که گفت: شخصی را نزد پیامبر ﷺ آوردند که شراب خورده بود، پیامبر ﷺ فرمودند: «او را بزنید!» ابوهریره می گوید: بعضی از ما، با دست خود او را می زد، و بعضی با کفش خود و برخی با لباسش؛ وقتی رفت، یکی از حاضران گفت: الله تو را خوار و رسوا کند! پیامبر ﷺ فرمودند: «چنین نگوئید و شیطان را به ضرر او کمک نکنید»».

۴۴- رسول الله ﷺ در بین جوانان؛ یتیمان را بیشتر دوست داشت:

در هر عصری جامعه پر از جوانان اند ، ولیکن انسان چگونه جوان را باید دوست بدارد این مهم است زیرا رسول الله ﷺ در بین جوانان مکه ومدینه اشخاص یتیم را خیلی دوست داشت ، آنان را در آغوش می گرفت و آنها را می بوسید وصحابه را تشویق بر کمک آنها می نمود و آنها را بشارت به بهشت می داد طوریکه روایت است:

«وعن سهل بن سعدٍ قال: قال رسول الله ﷺ: «أَنَا وَكَافُلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا» وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوُسْطَى، وَفَرَّجَ بَيْنَهُمَا» [رواه البخارى].

یعنی: «از سهل بن سعد روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «من و کفیل (عهده‌دار) یتیم، در بهشت، این چنین هستیم» و به دو انگشت سبابه و میانه اشاره نمود و آنها را از هم جدا کرد».

۴۵- رسول الله ﷺ طوری حرف می زد که کوچک و بزرگ حرف آن را می دانستند:

رسول الله ﷺ هنگام حرف زدن از کلماتی استفاده می نمود که هر قوم و قبیله به خوبی می‌توانستند آن سخنان را بفهمند بدون اینکه دوباره آنرا از رسول الله ﷺ پرسند.

وعن عائشة قالت: «ما كان رسول الله ﷺ يسرد سردكم هذا ولكنه كان يتكلم بكلام بينه فصل يحفظه من جلس إليه» [رواه الترمذي].

یعنی: عائشه رضی الله عنها می‌فرماید که رسول الله ﷺ مانند شما پی در پی سخن نمی زد ؛ بلکه درمیان سخنان وی جدائی می بود ، کسیکه باوی می نشست سخنانش را یاد می گرفت.

۴۶- رسول الله ﷺ بدون وحی؛ هرگز صحبت نمی کرد:

رسول الله ﷺ منتظر وحی می بود ، و هیچ چیزی را از عقل و فکر خود نمی گفت ، و انتظار امر الله سبحانه و تعالی را داشت که درین زمینه چه فرمان می دهد.

وعن عبد الله بن سلام قال : « كان رسول الله ﷺ إذا جلس يتحدث يكثر أن يرفع طرفه إلى السماء » [رواه أبو داود].

یعنی: هنگامیکه رسول الله ﷺ برای صحبت کردن و سخن زدن می نشست؛ اکثراً به سوی آسمان نگاه می کرد (و نزول وحی را انتظار می کشید).

۴۷- رسول الله ﷺ سخنان بی هوده نمی گفت:

و نیز:

۴۸- رسول الله ﷺ با بیوه زنان و مساکین می رفت و کار آنان را انجام می داد:

رسول الله ﷺ هرآنچه که سخن مفید به یاد می داشت و آنچه که برایش وحی می آمد آنرا بیان میکرد و رنه عادت سکوت را بر خود برگزیده بود و در تلاش فقرا و بیوه زنان بود تا آنان را از چه راهی می تواند کمک کند.

وعن عبد الله بن أبي أوفى قال : كان رسول الله ﷺ يكثر الذكر ويقل اللغو ويطيل الصلاة ويقصر الخطبة ولا يأنف أن يمشي مع الأرملة والمسكين فيقضي الحاجة . [رواه النسائي والدارمي] .

یعنی: عبدالله بن ابی اوفی می گوید که رسول الله ﷺ بسیار ذکر می کرد و سخنان بیهوده نمی گفت ، نماز دراز می خواند و خطبه را کوتاه می گفت و از رفتن با بیوه و مسکین عار نمی داشت (با او می رفت) و کار او را اجرا می کرد.

۴۹- هرگز رسول الله ﷺ دروغ نمی گفت:

دروغ برای هیچ مسلمانی زینده نیست ، اما در خوی و عادت رسول الله ﷺ دروغ وجود نداشت چون یک رهبر نمی تواند به کلمات و حرف های دروغ رعیت خود را فریب دهد.

وعن علي أن أبا جهل قال للنبي ﷺ : إنا لا نكذبك ولكن نكذب بما جئت به فأنزل الله تعالى فيهم : [فإهم لا يكذبونك ولكن الظالمين بآيات الله يجحدون] [رواه الترمذي وفي سنده مقال] .

یعنی: علی رضی الله عنه می گوید: ابوجهل به رسول الله ﷺ گفت: ما ترا دروغگو نمی پنداریم بلکه چیزی را که (از دین و شریعت) آورده ای آنرا تکذیب می کنیم ، پس الله متعال درمورد ایشان این آیه را فرو فرستاد که (آنها ترا تکذیب نمی کنند بلکه ظالمان از آیات الله تعالی منکر می شوند).

۵۰- رسول الله ﷺ صدقه را نمی خورد ، اما هدیه را پذیرفته و میل می کرد:

یکی از علائمی که رسول الله ﷺ را دیگران می شناختند و حتی در کتب یهودیان آمده بود این بود که وی صدقه را قبول نمی کند ولیکن هدیه را قبول کرده و همراهی اصحابش مشترکاً آنرا میل می نمود.

«وعن أبي هريرة قال: أخذ الحسن بن عليٍّ ب تمرٍّ من تمر الصدقة فجعلها في فيه فقال رسول الله ﷺ: «كُحْ كُحْ، إزمِ بها، أما علمت أننا لا نأكل الصدقة؟» [متفق عليه].

وفی روایة: «إنا لا نأكل لنا الصدقة».

یعنی: «از ابو هریره روایت است که: حسن بن علی دانه ای خرمایی از خرمای صدقه را گرفته به دهن خویش نمود. رسول الله ﷺ فرمود: کخ

کخ، (دور کن دورکن)، آیا نمی دانی که ما مال صدقه را نمی خوریم؟!

در روایتی آمده که صدقه برای ما حلال نیست».

و در روایت مسلم آمده است که: «ولنا هدية».

یعنی: برای ما هدیه جواز دارد.

۵۱- رسول الله ﷺ بهترین فرد برای خانواده اش

بود:

رسول الله ﷺ برای هر طیف و فرد؛ محبوبیت خاص خود را داشت و برای هر شخص محبت خاصی می نمود ، لیکن برای خانواده اش بهترین محبت را انجام می داد که در هیچ زمانه ای مانند او پیدا نخواهد شد.

رسول الله ﷺ میفرماید: «خیرکم خیرکم لأهلہ وأنا خیرکم لأهلی» [رواه الترمذی و مشکوۃ (۳۲۵۲)].

یعنی: بهترین تان ، بهترین تان (براهل) (فامیل) تان هستید) و من بهترین تان هستم برای اهل (فامیل) ام.

۵۲- رسول الله ﷺ اطفال را تحنیک می نمود:

رسول الله ﷺ اطفال نوزاد را قبل از نام گذاری تحنیک می نمود و بعدا نام او را انتخاب می نمود:

تحنیک: شیرین کردن کام طفل به خرما.

عن أبي موسى قال: «ولد لي غلام فأتيت به النبي ﷺ فسماه إبراهيم وحنكه بتمر» [صحيح مسلم].

یعنی: فرزندى براىم تولد شد و آنرا نزد رسول الله ﷺ آوردم ، پس رسول الله ﷺ اسم او را «ابراهيم» گذاشت و او را با خرما تحنیک نمود.

۵۳- رسول الله ﷺ در مقابل کار نیک دیگران؛ (جزاک الله خیرا، می گفت:

رسول الله ﷺ هنگامیکه کسی کار خیری را انجام می داد برای طرف مقابل می گفت: «جزاک الله خیرا» که متأسفانه این سنتی است ترک شده است در جامعه ای ما.

جزاک الله خیرا : یعنی از الله می خواهم در پاداش این کار، خیر فراوانی نصیب کند.

اسامة بن زید رضی الله عنهما از رسول الله ﷺ روایت کرده که ایشان فرمودند: «کسی که در حقش نیکی شده و به صاحب آن کار نیک بگوید: جزاک الله خیرا، در ثنای وی مبالغه کرده است» [به روایت ترمذی و نسائی و تصحیح علامه آلبانی].

منظور از مبالغه، یعنی تلاش خود را برای جبران آن خوبی و حق شناسی انجام داده است، زیرا درخواست خیر مطلق از الله برای یک شخص دعای بسیار بزرگی است.

همچنین رسول الله ﷺ در تشکر از انصار خطاب به ایشان «جزاکم الله خیرا» فرمود [ابن حبان و حاکم، السلسلة الصحيحة: ۳۰۹۶].

عمر بن الخطاب رضی الله عنه می‌فرماید: اگر کسی از شما می‌دانست که در گفتن جزاک الله خیرا به برادرش چه [سود و پاداشی] خواهد داشت، این را بسیار به یکدیگر می‌گفتید. [مصنف ابن ابی شیبۀ ۵ / ۳۲۲].

۵۴- رسول الله ﷺ هرگاه از قومی می‌ترسید می‌گفت: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ»

عن أبي موسى الأشعريّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا خَافَ قَوْمًا قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ». [سنن أبو داود].

یعنی: ابو موسی اشعری می‌گوید: چون رسول الله ﷺ از قومی می‌ترسید، می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ»...
یعنی: بار الهی ما ترا در برابر دشمنان قرار می‌دهیم (که حفظ مان کنی) و از شرارت های شان بتو پناه می‌بریم .

۵۵- رسول الله ﷺ وقتی که عطسه می‌زد دست خود را بر دهانش می‌گذاشت:

یکی از عادت های رسول الله ﷺ نسبت به سائر مردم این بود که هنگام عطسه دهن خود را پت می‌کرد تا مبادا صدای او برای همنشینش خسته کن گردد و یا آب دهنش بیرون گردد.

«وعن أبي هريرة قال: كان رسول الله ﷺ إِذَا عَطَسَ وَضَعَ يَدَهُ أَوْ ثَوْبَهُ عَلَى فِيهِ وَخَفَضَ أَوْ غَضَّ بِهَا صَوْتَهُ». [رواه أبو داود، والترمذي وقال حديث حسن صحيح].

یعنی: «از ابوهریره روایت شده که گفت: چون رسول الله ﷺ عطسه می زد، دست یا جامه اش را بر دهانش می گذاشت و بدین ترتیب صدای آن را کم می نمود».

۵۶- رسول الله ﷺ گاهی سخنرانی می کرد (همیشه نه):

یکی از عواملی که مردم با واعظان مخالف اند و حرف های آنان بالای شان تأثیر نمی کند اینست که همیشه سخنرانی می کنند (وقت و ناوقت) و طولانی حرف می زنند ، اما رسول الله ﷺ سخنور توانا برای سخنرانی خود وقت معین تعیین می کرد و همیشه سخنرانی نمی کرد تا مردم را خسته سازد.

«عن أبي وائل شقيق بن سلمة قال: كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ يُذَكِّرُنَا فِي كُلِّ حَمِيسٍ مَرَّةً، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ لَوْدَدْتُ أَنَّكَ ذَكَّرْتَنَا كُلَّ يَوْمٍ، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ يَمْنَعُنِي مِنْ ذَلِكَ أَنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَمْلِكُكُمْ وَإِنِّي أَتَحَوَّلُكُمْ بِالْمَوْعِظَةِ، كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَتَحَوَّلُنَا بِهَا مَخَافَةَ السَّامَةِ عَلَيْنَا». [متفق عليه].

یعنی: «از ابو وائل شقیق بن سلمه روایت شده که گفت: ابن مسعود در هر پنجشنبه به ما موعظه می نمود. مردی به او گفت: ای ابو عبد الرحمن دوست داشتم که هر روز مارا پند می دادی.

گفت: آنچه مرا از این کار باز می دارد، اینست که می ترسم شما را خسته گردانم و من روزی را به موعظه ای شما اختصاص می دهم، همانطوریکه رسول الله ﷺ عمل می نمود از ترس خستگی و ملامت شما».

۵۷- رسول الله ﷺ روز های دوشنبه و پنج شنبه را روزه می گرفت:

رسول الله ﷺ تنها ماه کامل رمضان را روزه می گرفت ، ولیکن یازده ماه باقی را فقط چند روز محدودی از آنرا روزه می بود.

وعن عائشة رضي الله عنها قالت : «كان رسول الله ﷺ يصوم الاثنين والخميس» [رواه الترمذي والنسائي].

یعنی: از عائشه رضي الله عنها روایت شده است که بود رسول الله ﷺ روزه می گرفت روز دوشنبه و پنج شنبه را.

۵۸- رسول الله ﷺ هنگام سفر یارانش؛ برای آنها دعا می نمود:

این عادت رهبر معظم ما(ﷺ) بود که هنگامیکه یکی از اصحابش رخت سفر می بند؛ پس نزد او رفته و برایش دعا می نمود ، این کاری است که

اکثریت رهبران جهان از آن بی خبر اند و صرف عمل محبوب رسول الله ﷺ بود.

«وعن عبد الله بن يزيد الخطميّ الصّحابي قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُودَعَ الْحَيْشِ قَالَ: «أَسْتَوْدُعُ اللَّهَ دِينَكُمْ، وَأَمَانَتَكُمْ، وَخَوَاتِيمَ أَعْمَالِكُمْ»». [حدیث صحیح، رواه أبو داود وغيره بإسناد صحیح].

یعنی: «از عبد الله بن يزيد خطمی صحابی روایت شده که گفت: چون رسول الله ﷺ می خواست با لشکری وداع کند، می فرمود: «أَسْتَوْدُعُ اللَّهَ دِينَكُمْ، وَأَمَانَتَكُمْ، وَخَوَاتِيمَ أَعْمَالِكُمْ»

یعنی: دین و امانت و انجام اعمال شما را نزد الله به ودیعت می گذارم».

۵۹- رسول الله ﷺ هرگاه از سفر می آمد به

مسجد می رفت و دو رکعت نماز ادا می کرد:

متأسفانه! همگی مان سفر کرده ایم و سفر می نمایم ، وگاهی نشده است که این سنت رسول الله ﷺ را انجام دهیم ، واین سنت چندین حکمت دارد که برخی از آن: فامیل از آمدنت آگاه شده و خود را برای مزین می سازند واطفالت را پیش رویت روان میکنند وموی های اضافی بدن خود را می تراشند-کمافی الحدیث-.

- «عن كعب بن مالكٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ بَدَأَ بِالْمَسْجِدِ فَرَكَعَ فِيهِ رُكْعَتَيْنِ» [متفق عليه].

یعنی: «از کعب بن مالک روایت شده که چون رسول الله ﷺ از سفر می آمد، از مسجد شروع نموده و در آن دو رکعت نماز می گزارد».

۶۰- رسول الله ﷺ چیزهای شیرین را (مثل عسل)

دوست می داشت:

رسول الله ﷺ هرطعامی که نسبت به خوردنی ها دیگر شیرین تر می بود دوست می داشت به خصوص عسل را.

وعن عائشة رضي الله عنها قالت : كان رسول الله ﷺ يحب الحلواء والعسل [رواه البخاري] .

یعنی: عائشه می گوید که رسول الله ﷺ دوست داشت (خوردنی های شیرین) وعسل را.

۶۱- رسول الله ﷺ آب را به سه نفس می نوشید:

رسول الله هنگام ﷺ نوشیدن آب ، سه بار آنرا می نوشید و به نفس آرام ؛ زیرا دکتران گفته اند که یکبار آب خوردن اضرار زیادی دارد و یکی از آن بند شدن تنفس میباشد.

یعنی: «عن أنسٍ أن رسول الله ﷺ كَانَ يَتَنَفَّسُ فِي الشَّرَابِ ثَلَاثًا» [متفقٌ عليه] .

یعنی: «از انس روایت است که: رسول الله ﷺ در آشامیدن سه بار نفس می کشیدند. -یعنی بیرون از ظرف-».

۶۲- رسول الله ﷺ تکیه کنان؛ چیزی نمی خورد:

دکتران گفته اند که تکیه کنان خوردن؛ سبب امراض زیادی می گردد چون طعام به درستی داخل شکم نمی گردد از این رو قرن ها پیش امام دکتران (ﷺ) این عمل را انجام می داد.

وعن أبي جحيفة قال : قال رسول الله ﷺ: « لا آكل متکئا » [رواه البخاري]
یعنی: رسول الله ﷺ فرمود: من تکیه کنان نمی خورم.

۶۳- رسول الله ﷺ هرگاه از کاری در فشار قرار می گرفت؛ نماز می خواند:

نماز، راه حل تمامی مصیبت ها و مشکلات است ، ازین رو پیامبر گرامی مان ﷺ هنگام بروز مشکلات به نماز پناه می خواست.

عَنْ حُذَيْفَةَ قَالَ : « كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ صَلَّى » [أبو داود].

یعنی: رسول الله ﷺ چون ازکاری در فشار قرار می گرفتند ، به سوی نماز پناه می خواست.

۶۴- رسول الله ﷺ دوست داشت که روز های پنج شنبه سفر کند:

رسول الله ﷺ دوست داشت که هرگاه سفر کند باید آن روز ، روز پنج شنبه باشد ، و حتی سفر های خود را به روز پنج شنبه به تأخیر می انداخت.

«عن كعب بن مالك، أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ خَرَجَ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ يَوْمَ الْحَمِيسِ، وَكَانَ يُحِبُّ أَنْ يُخْرَجَ يَوْمَ الْحَمِيسِ» [متفق عليه].

وفي رواية في الصحيحين: «لَقَلَّ مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُخْرَجُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْحَمِيسِ».

یعنی: «از کعب بن مالک روایت شده که: پیامبر ﷺ در غزوه ای تبوک روز پنجشنبه بیرون آمد و دوست داشت که در روز پنجشنبه بیرون شود.

۶۵- رسول الله ﷺ در قافله و کاروان؛ آخرین آن می بود:

یک رهبر خوب در جاهای خطر پیش وجلو قافله می رود تا اگر کمین باشد برای این آسیب برسد نه برای رعیت ، و یک رهبر لایق در قافله گاهی آخرین آن میباشد ؛ چون اگر ناتوانی عقب باند ، باید همراهی او کمک نماید ، اما این رهبر فقط رسول الله ﷺ بوده می تواند.

«وعن جابر قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَتَخَلَّفُ فِي الْمَسِيرِ فَيُرْجَى الضَّعِيفُ وَيُؤَدُّ وَيَدْعُو لَهُ..» [رواه أبو داود بإسناد حسن].

«از جابر روایت شده که: رسول الله ﷺ در راه خود را به آخر می کشید و به این ترتیب ناتوان و درمانده را رانده و دیگری را پشت سرش سوار نموده و برایش دعا می نمود».

۶۶- رسول الله ﷺ هرگاه از خواب بیدار می شد؛ در قدم نخست مسواک می کرد:

امروز دکتران قائل شده اند که در مسواک (۷۰) فائده است ، و سبب این فواید کسی نیست جز محمد ﷺ ، کسیکه امت خود را ترغیب به مسواک زدن نمود.

«وَعَنْ حُذَيْفَةَ ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَامَ مِنَ النَّوْمِ يَشُوصُ فَاَهُ بِالسَّوَاكِ» [متفقٌ علیه].

یعنی: «از حذیفه روایت است که گفت: چون رسول الله ﷺ از خواب بیدار می شد، دهانش را مسواک می نمود».

۶۷- هرگاه رسول الله ﷺ در شب در سفر می بود، و در شب فرود می آمد، به پهلوی راستش می خوابید:

«وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَانَ فِي سَفَرٍ، فَعَرَسَ بِلَيْلٍ اضْطَجَعَ عَلَى يَمِينِهِ، وَإِذَا عَرَسَ قُبِيلَ الصُّبْحِ نَصَبَ ذِرَاعَهُ وَوَضَعَ رَأْسَهُ عَلَى كَفِّهِ». [رواه مسلم].

یعنی: «از ابو قتاده روایت شده که گفت: چون رسول الله ﷺ در شب در سفر می بود، و در شب فرود می آمد، به پهلوی راستش می خوابید و

چون کمی قبل از صبح می خوابید، دستش را بلند نموده و سرش را در کف دستش می گذاشت. (تا خوابشان نبرد)».

۶۸- رسول الله ﷺ بهترین معلم بود:

پیامبر ﷺ معلم تمام بشریت است و از وی کرده معلم نیک در روی زمین دیگر پیدا نخواهد شد طوریکه معاویه بن الحکم در مورد پیامبر ﷺ گفت: «ما رأیت معلما قبله ولا بعده احسن تعلیما منه» [صحیح مسلم].
یعنی: من هرگز قبل از محمد ﷺ و نه بعد از آن کدام معلم نیکی ندیده بودم که مثل رسول الله ﷺ تعلیم نیکو داده باشد.

۶۹- رسول الله ﷺ در همه اوقات ذکر می نمود:

رسول الله ﷺ در همه اوقات -جنابت و غیرجنابت- یاد الله سبحانه و تعالی را می نمود.

عائشه رضی الله عنه میفرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَذْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى كُلِّ أَحْيَانٍ». [مسلم (۳۷۳)].

یعنی: از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: «رسول الله ﷺ در همه اوقات ذکر الله را می نمود».

۷۰- رسول الله ﷺ دارای بهترین اخلاق بود:

یگانه گسترش دعوت رسول الله ﷺ همانا اخلاق ولایی او بوده است ، در جنگ های او با کفار فقط دونیم هزار کفار کشته شده وبقیه عموم امت بر اخلاق حسنه او ایمان آورند.

رسول الله ﷺ میفرماید: «خيارکم أحاسنکم أخلاقاً». [صحیح البخاری: ۶۰۳۵].

یعنی: بهترین شما خوش اخلاق ترین شماست.

انس می گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا» [متفقٌ علیه].

یعنی: رسول الله ﷺ بهترین مردم از لحاظ اخلاق بود و زیباترین اخلاق را داشت.

ونیز رسول الله ﷺ میفرماید: «اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ ، وَأَتَّبِعِ السَّبِيلَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا ، وَ خَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ» [صحیح الجامع: ۹۷].

یعنی: هر جا که هستی از نافرمانی الله بپرهیز، بعد از ارتکاب خطا و بدی، نیکی انجام بده، زیرا نیکی آثار بدی را می زداید و با اخلاق خوب با مردم رفتار کن.

ونیز رسول الله ﷺ میفرماید: «ضمانت می‌دهم به خانه ای در بلند ترین درجات درجنت به کسی که نیک بسازد اخلاق خود را» [رواه الترمذی].

۷۱- رسول الله ﷺ میان سیاه و سفید؛ عربی و عجمی؛ بینا و نابینا، تفاوت قائل نبود:

رسول الله ﷺ قوم پرست و زبان پرست نبود، همان بلال سیاهی که تنها دندان هایش سفید بود ، رسول الله ﷺ ازین تمام مردان خوش چهره و سفید اورا انتخاب کرد تا اذان دهد و مؤذن شخصی رسول الله ﷺ قرار گیرد ، رسول الله ﷺ کسی بود که از میان هزاران صحابه سلمان فارسی را برگزید و گفت: سلمان از ما است ، و کسی بود (ﷺ) که از میان صدها بینا شخص نابینا را برای امام جماعت انتخاب نمود.

رسول الله ﷺ میفرماید: «لا فرق بین العربی والعجمی الا بالتقوی» و در روایتی آمده است: «یا ایها الناس ! إن ربکم واحد و إن أباکم واحد ، ألا لا فضل لعربی علی عجمی ولا عجمی علی عربی و لا أحمَر علی أَسود و لا أَسود علی أحمَر إلا بالتقوی» [الصحيحۃ ۲۷۰۰].

یعنی: تفاوت بی عربی و عجمی نیست مگر به تقوی ، و در روایتی آمده است که: «ای مردم! پروردگار تان یکی است و پدران یکی ، بدانید که بین عربی بالای عجمی و عجمی بالای عربی برتری ندارد ، و نه سرخ بالای سیاه و نه سیاه بالای سرخ برتری دارد (مگر به تقوی)».

انس -رضی الله عنه- میفرماید : أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ : «اسْتَخْلَفَ ابْنَ أُمِّ مَكْتُومٍ يُؤْمُ النَّاسَ وَهُوَ أَعْمَى» [رواه أبي داود].

یعنی «نبی ﷺ عبدالله ابن ام مکتوم را جانشین گرفت که به مردم نماز دهد و وی نابینا بود.

۷۲- رسول الله ﷺ بعد از طعام خوردن؛ انگشتان دست خود را می مکید (می لیسید):

این طریقه وسنت نبی علیه السلام می باشد که بعد از صرف طعام دست های خود را می لیسید وحتی گفته است اگر کسی آنرا نمی لیسد باید به یک طفل بلیساند چون برکت طعام ممکن در دستان باشد.

«وَعَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَكَلَ طَعَامًا لَعِقَ أَصَابِعَهُ الثَّلَاثَ قَالَ: وَقَالَ: «إِذَا سَقَطَتْ لُقْمَةُ أَحَدِكُمْ، فَلْيُمِطْ عَنْهَا الْأَذَى، وَلْيَأْكُلْهَا، وَلَا يَدَعْهَا لِلشَّيْطَانِ» وَأَمَرَ أَنْ تُسَلَّتِ الْقُصْعَةُ قَالَ: «فَلْيَأْكُلْكُمْ لَا تَذُرُونِ فِي أَيِّ طَعَامِكُمْ الْبَرَكَةُ» [رواه مسلم].

یعنی: «از انس روایت است که: چون رسول الله ﷺ نان می خوردند، سه (۳) انگشت خود را مکیده و می فرموده: هرگاه لقمهء یکی از شما افتاد، باید که خاشاک را از آن دور ساخته و بخورد و برای شیطان نگذارد. و امر نمود که کاسه صاف شود. فرمود: چون شما نمی دانید که در کدام قسمت طعام شما برکت است».

۷۳- رسول الله ﷺ در نماز های شب بالای خود زیاد فشار می آورد:

با وصفی که رسول الله ﷺ را الله هرگز تنها نگذاشته است اما او بخاطر شکر گزاری از رب العالمین تمامی شب های سال را قیام اللیل می کرد.
عَنْ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ قَالَ: إِنْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَيَقُومُ لِيُصَلِّيَ حَتَّى تَرْمَ قَدَمَاهُ، أَوْ سَاقَاهُ. فَيَقَالُ لَهُ، فَيَقُولُ: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا». [صحيح البخاری: ۱۱۳۰].

یعنی: رسول الله ﷺ شبها بقدری به نماز می ایستاد که پاها و ساقهای مبارکش، ورم می کردند. به آن حضرت می گفتند: چرا خودت را این همه به زحمت می اندازی؟

(در حالی که الله گناهان اول و آخرت را بخشیده است)

در جواب می فرمودند: «آیا بنده ای شکر گزار نباشم».

۷۴- رسول الله ﷺ بر اطفال سلام می داد:

سلام دادن سنت رسول الله ﷺ است چه بر بزرگان باشد یا کودکان ، سلام دادن بر کودکان سبب تعلیم بر آنها میشود و سبب منافی کبر و حسد است.

وعن انس بن مالک: « ان رسول الله ﷺ مر علی غلمان فسلم

علیهم». [صحيح مسلم]

یعنی: انس می گوید: رسول الله ﷺ بر اطفالی مرور کرد و بر آنها سلام داد.

۷۵- رسول الله ﷺ گاهی برای دوستان خود میگفت: «بخاطر الله دوست تان دارم»:

دوست داشتن مؤمن از ایمان است ، و خطاب کردن آن مبنی بر اینکه «ای فلان دوستت دارم بخاطر الله!» پس دوستی بین طرفین را بیشتر می سازد ، از همین رو رسول الله ﷺ جهت مستحکم ساختن ارتباط بین یارانش به آنان می گفت: «شما را بخاطر الله دوست دارم».

«عن معاذ بن جبل قال: أخذ بيدي النبي ﷺ فقال: "يا معاذ! قلت: لبيك. قال: "إني أحبك". قلت: وأنا والله أحبك!«.

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر ﷺ دست من را گرفته و فرمودند: ای معاذ!

گفتم: بفرمایید در خدمتم!

فرمودند: من تو را دوست دارم!

گفتم: به الله سوگند که من نیز شما را دوست دارم!.

۷۶- رسول الله ﷺ بعد از نماز صبح نمی خوابید ، بلکه با اصحابش در مسجد تا طلوع آفتاب سخن می گفت:

تفاوت ما با عادت رسول الله ﷺ اینست که او خواب نمودن بعد از صبح را بد می دانست و هرگز از او ثابت نشده است که بعد از نماز صبح بخوابد ، یا اینکه اذکار می کرد و یا اصحاب او سوال می کردند و او جواب می داد و یا خواب های آنان را تعبیر می نمود ، ولیکن ما برعکس آن کار میکنیم.

عن سماك بن حرب رضى الله عنه «قلت لجابر بن سمرة أكنت تجالس رسول الله ﷺ ؟ قال : نعم، كثيراً، كان لا يقوم من مصلاه الذى يصلى فيه الصبح - أو الغداة - حتى تطلع الشمس، فإذا طلعت الشمس قام ؛ وكانوا يتحدثون، فيأخذون فى أمر الجاهلية، فيضحكون ويتبسم».

یعنی: به جابر بن سمره گفتم آیا تو همراه رسول الله ﷺ می نشستی؟ گفت: آری، خیلی زیاد، ایشان بعد از نماز صبح از جایش بر نمی خواست تا آنکه خورشید طلوع می کرد، هرگاه خورشید طلوع می کرد بلند می شد. و آنها (پیامبر ﷺ اصحابش) در آن وقت با هم سخن می گفتند و درباره دوران جاهلیت نیز می گفتند و گاهی لبخند و تبسم نیز می زدند. [صحیح مسلم ۴۶۳/۱ رقم ۶۷۰].

۷۷- هرگز رسول الله ﷺ اصحابش را نمی گذاشت تا بر مردم سختگیری کنند:

اصحابش را تعلیم می داد که این دین ، نسبت به سائر ادیان دین آسان است و نباید بالای مردم سختگیری گردد.

هنگامی که معاذ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در میان قومش نماز را طولانی کرد، رسول الله ﷺ چنان خشمگین شد که در هیچ یکی از سخنرانی هایش به این اندازه خشمگین نشده بود. و به معاذ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت: «يَا مُعَاذُ أَفْتَتَانُ أَنتَ» [بخاری (۷۰۱، ۷۰۵، ۶۱۰۶)، و مسلم (۴۶۵)]
یعنی: (ای معاذ مگر فتنه گر هستی).

۷۸- هرگز رسول الله ﷺ در سخنان کسی نمی پرید:

رسول الله ﷺ برای اصحابش وبقیه افراد آزادی بیان می داد ، طوریکه هرآنچه آنان می گفت ، آن را می شنید وبعدا جواب آنرا می داد.
از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: مردی نزد رسول الله ﷺ آمد و با لحنی تند طلب خود را از آن بزرگوار خواست. صحابه خواستند او را تنبیه کنند؛ ولی رسول الله ﷺ فرمود: «دَعُوهُ، فَإِنَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالًا».
یعنی: «کاری با او نداشته باشید؛ زیرا آنکه حقی دارد، حقّ سخن گفتن و مطالبه ی حقّش را دارد». و سپس فرمود: «أَعْطُوهُ سِتًّا مِثْلَ سِنِّهِ»

«شتری مانند شتر خودش به او بدهید». گفتند: ای رسول الله، شتری جز بهتر و بزرگ تر از شترِ او نمی یابیم. فرمود: «أَعْطُوهُ، فَإِنَّ خَيْرَكُمْ أَحْسَنُكُمْ قَضَاءً»: «همان را به او بدهید؛ زیرا بهترین شما کسی است که بدهی خود را به بهترین شکل ادا کند». [صحیح] - [متفق علیه].

بعضی از صفات و عادات نبی ﷺ که امام نووی بیان نموده است:

رسول الله ﷺ زیاد ذکر میکرد ، و همیشه فکر میکرد ، زیاد خنده اش تبسم بود ، و گاهی خنده که میکرد کله دندان هایش معلوم میگردید ، و رسول الله ﷺ خوشبوئی را دوست داشت ، و بد اش می آمد بد بوئی ، و نیز مزاح میکرد و در مزاح اش دروغ نمی گفت (مزاحی می کرد که آن حق می بود مثلاً: ای صاحب دو گوش و بینی) و قبول میکرد کسی یکه نزدش عذر مینمود ، چنانکه الله ﷻ وی را چنین صفت میکند: «یقیناً پیامبری از (میان) خودتان به سوی تان آمد ، که رنج های شما بر او دشوار (و گران) است ، و بر (هدایت) شما سخت اصرار دارد و (نسبت) به مؤمنان) روؤف (و) مهربان است» (سوره توبه : ۱۲۸).

و همچنان «ودعای خیرکن ایشان را ، هرآئینه دعای تو تسکین دهنده است ایشان را» (سوره توبه: ۱۰۳).

و رسول الله ﷺ امر میکرد مردم را به نرمی و اخلاق و گذشت ، و تشویق میکرد مردم را به صلح و عفو ، و منع میکرد مردم را از درشت خوئی و شدت ، و تشویق میکرد به عفو و صلح و خوش اخلاقی.

دوست داشت رسول الله ﷺ که هرکار را از طرف راست انجام دهد ، خصوصا در طهارت ، و نیز در شانه کردن ، و بوت پوشیدن ، و بالاخره درهمه کار ، و بود دست چپ اش صرف برای تشناب و رفع حاجت و نیز از دست چپ خود برای پاک نمودن نجاست ها استفاده میکرد ، و قتیکه خواب میکرد به پهلوی خواب راست میکرد در طرف قبله.

و بود مجلس رسول الله ﷺ مجلس حلم (برده باری) ، حیاء ، امانت ، حفظ صبر و آرامش ، و در مجلس رسول الله ﷺ صداها بلند نمی شد ، و در مجلس خویش قصه ی زنان را نمی کردند ، چالاکی میکردند به تقوی ، بین یکی دیگر خویش تواضع می کردند ، و به کلان های خود عزت و اکرام میکردند ، و به خورد های خود رحم میکردند ، و کمک میکردند به کسانی که محتاج بودند ، و حفظ و مراقبت می کردند غریبان را ، و قتیکه دلیل می گفتند ؛ دلیل خیر می گفتند ، و بود رسول الله ﷺ الفت میکرد با صحابه کرام ، و اکرام میکرد کلان های هر قوم را ، و کارهای صحابه را سرپرستی میکرد ، (اگر روزی یاران خود را نمی دید) طلب و جستجو میکرد آنها را ، و نبود رسول الله ﷺ فحش گوی ، و جزائی بدی را به بدی نمی داد ، بلکه عفو

وگذشت میکرد ، ولت کوب نمی کرد خادمش را یا یکی از همسرانش را
ونه فرد دیگری را هیچ زمان ، او بود که جهاد در راه الله ﷻ می نمود،
و اگر دو امر و کار می بود! آسان تر آنرا انتخاب میکرد در صورتیکه انجام
آن گناه نمی بود.

امام نووی میگوید: ودلائلی را که من ذکر کردم همه اش صحیح ومشهور
اند.

۷۹- وهمچنان از عادت رسول الله ﷺ:

طوری راه میرفت که معلوم بود عاجز و سست نیست. (حدیث صحیح)

۸۰- وهمچنان از عادت رسول الله ﷺ:

زمانیکه راه میرفت به این طرف وآن طرف نگاه نمیکرد. (حدیث صحیح).

۸۱- وهمچنان از عادت رسول الله ﷺ:

اخلاق و رفتار و کردار ایشان نسخه عملی قرآن بود(مسلم).

۸۲- وهمچنان از عادت رسول الله ﷺ:

از انصار دیدار میکرد و به کودکانشان سلام میکرد و بر سرشان دست
میکشید که بیانگر تعامل اجتماعی و عنایت فراوان نسبت به کودکان است.

۸۳- وهمچنان از عادت رسول الله ﷺ:

روی زمین - بدون حائل - می نشست و روی زمین غذا میخورد (مشکاة المصابیح) که نشان ساده زیستی ایشان است. او حاکم مسلمین بود و حکام امروز هم بر مسلمانان حکمرانی می کنند!! او کجا و اینها کجا؟! امروز هم بر مسلمانان حکمرانی می کنند!! او کجا و اینها کجا؟!!

۸۴- وهمچنان از عادت رسول الله ﷺ:

بسان کسی بخشش می کرد که از فقیر شدن نمی ترسد. (مسلم).

۸۵- وهمچنان از عادت رسول الله ﷺ:

دائماً متفکر بود.

۸۶- وهمچنان از عادت رسول الله ﷺ:

دنیا و ناملایمات هرگز او را به خشم نمی آورد.

۸۷- وهمچنان از عادت رسول الله ﷺ:

حقی که پایمال می شد از شدت خشم کسی او را نمی شناخت تا اینکه حق را یاری کند.

۸۸- وهمچنان از عادت رسول الله ﷺ:

هنگام اشاره به تمام دست اشاره می فرمود.

۸۹- وهمچنان از عادت رسول الله ﷺ:

وقتی خوشحال می شد چشمها را به هم می نهاد.

۹۰- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

هر کس را به مقدار فضیلتی که در دین داشت احترام می کرد.

۹۱- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

با مردم انس می گرفت و آنان را از خود دور نمی کرد.

۹۲- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

در همه امور اعتدال داشته و افراط و تفریط نمی کرد.

۹۳- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

بافضیلت ترین فرد نزد پیامبر خیرخواهترین آنان برای مردم بود.

۹۴- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

پیامبر در هیچ محفل و انجمنی نمی نشست و بر نمی خاست جز آنکه به یاد الله باشد.

۹۵- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

در مجالس جایگاه خاص برای خود بر نمی گزید.

۹۶- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

هنگامی که بر جمعی وارد می شد هر جایی خالی بود می نشست و به یاران خویش دستور می داد این گونه عمل کنند.

۹۷- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

رفتار پیامبر آنقدر نرم بود که مردم او را همچون پدری دلسوز و مهربان می دانستند و حق همه مردم نزد آن بزرگوار یکسان بود

۹۸- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

مجلسش مجلس بردباری، حیا، صدق و امانت بود.

۹۹- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

عیب جو نبود و از کسی هم تعریف زیاد نمی کرد.

۱۰۰- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

در پی لغزش های مردم نبود.

۱۰۱- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

سخن کسی را قطع نمی کرد مگر این که از حد متعارف تجاوز می کرد.

۱۰۲- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

به آرامی و متانت گام برمی داشت.

۱۰۳- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

لحظه ای از عمر بایرکت خویش را بیهوده نمی گذرانید.

۱۰۴- و همچنان از عادت رسول الله ﷺ:

دیرتر از همه مردم به خشم می آمد و زودتر از همه راضی می گشت.

نجم کتاب باذن الله | بیت هفتم رمضان مبارک ۱۳۹۹

خواهش ما از شما عزیزان:

برای شما معلوم است که مطبعه ها و چاپ خانه های کشور متأسفانه کتب و رساله های همچون: «داستان های سکسی» ، «داستان های ملانصرالدین» ، «یک دسته گل» ، «فالنامه و تعویذات» ، «داستان های عاشقانه» ، «دعاهای بدعی امثال گنج العرش» «و غیره» را رایگان به چاپ می رسانند. و قتیکه ما تقاضای چاپ این کتاب را می کنیم ، بهانه های مختلفی می آورند ، و بالاخره چاپ نمی کنند.

پس جوانان مخلص و دین دوست! بنخواهیم یا نخواهیم روزی از این دنیا فانی خواهیم رفت ، و در قبر و آخرت یکی از راه های نجات از عذاب پروردگار ، صدقه های جاریه است چون رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «چون انسان بمیرد، عمل او قطع می شود، جز در سه چیز: ۱- صدقه ای که جاری باشد ، ۲- عملی که از آن سود برند ، ۳- فرزند صالحی که برای او دعا کند» (صحیح مسلم).

سلف صالح می گفتند که دنانیر و درهم از بین می رود ولیکن اشاعه و نشر کتاب تا قیام قیامت باقی خواهد ماند... پس این کتاب را وسائر کتب و رساله های مفید دیگری را چاپ کنید ، و در دسترس جوانان قرار دهید.

دیگران بالای گسترش باطل خویش ملیون ها پول خرج میکنند ، اما من و تو حاضر نیستیم که رساله و کتاب چند صفحه ای را بخاطر رضای الله به چاپ برسانیم!؟